



Islamic Azad University, Lahijan Branch

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

Homepage: <http://jclld.iau.ac.ir>

Vol.4, No.3, Issue 15, Autumn 2025, P: 17-46

Receive Date: 2025/04/10

Revise Date: 2025/08/07

Accept Date: 2025/08/15

Article type: Original Research

Online ISSN: 2821-2339

DOI: 10.30495/jclld.2023.1981824.1052

A Critique on the Iran judicial penalization system in terms of judicial assessment of the severity of the crime and solutions to deal with it

Amin Elahian¹Ali Ghorbani²Asghar Abbasi³

Abstract

The principle of proportionality between crime and punishment requires that, in addition to the legislative Penalization stage, in the judicial Penalization stage also the punishment determined must be proportionate to the severity of the crime. In order to comply with this principle, the judicial authority is obliged to assess the severity of the crime in each specific case; So that they can impose appropriate punishment based on it. In the Iranian judicial punishment system, the lack of comprehensive principles for the judicial assessment of the severity of a crime has led to the formation of inconsistent judicial procedures in this regard Which leads to the accidentalization of justice. Therefore, it seems necessary to establish a systematic procedure for judicial assessment of the severity of a crime in order to prevent dispersion in judicial sentencing. Although the legislator, in Article 18 of the Islamic Penal Code passed in 2013, sought to provide a way forward for judges by explaining some indicators of judicial assessment of the severity of the crime, Iran's judicial punishment system continues to face challenges in this regard. This article attempts to first explain such challenges and then present solutions to overcome them.

Keyword: Judicial Penalization, severity of the crime, proportionality between crime and punishment, sentencing guidelines.

1. Department of Law, Cha.C, Islamic Azad University, Chalous, Iran. Amin.elahian@iau.ac.ir

2. Department of Law, Cha.C, Islamic Azad University, Chalous, Iran. (Responsible autho) ali350@iau.ac.ir

3. Department of Law, Cha.C, Islamic Azad University, Chalous, Iran. drabbasi191@iau.ac.ir



دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

سال چهارم - شماره ۳ - شماره پیاپی ۱۵ - پاییز ۱۴۰۴، ص ۶۱۷-۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۴
نوع مقاله: پژوهشی شابا الکترونیکی: ۲۸۲۱-۲۳۳۹ DOI: 10.30495/jcld.2023.1981824.1052
Homepage: <http://jcld.liau.ac.ir>

نقد نظام کیفردهی قضایی ایران از منظر ارزیابی قضایی میزان شدت جرم و راهکارهای مواجهه با آن

امین الهیان^۱

علی قربانی^۲

اصغر عباسی^۳

چکیده

اصل تناسب میان شدت جرم و شدت مجازات اقتضا دارد که علاوه بر مرحله کیفرگذاری تقنینی در مرحله کیفردهی قضایی نیز مجازات تعیین شده توسط مقام قضایی متناسب با شدت جرم ارتكابی باشد. مقام قضایی جهت رعایت این اصل ناگزیر به ارزیابی شدت جرم در هر مورد خاص است تا بر اساس آن بتواند مجازات متناسب را اعمال نماید. در نظام کیفردهی قضایی ایران فقدان اصول جامع جهت ارزیابی قضایی شدت جرم منجر به شکل گیری رویه‌های قضایی غیر منسجمی در این خصوص گردیده که اتفاقی شدن عدالت را در پی دارد. از این رو رویه‌سازی اصولی ارزیابی قضایی شدت جرم جهت پیشگیری از تشّت در کیفردهی قضایی ضروری به نظر می‌رسد. اگرچه قانون‌گذار در ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲ با تبیین برخی از شاخص‌های ارزیابی قضایی میزان شدت جرم درصدد ارائه طریق پیش روی قضات بوده است، همچنان نظام کیفردهی قضایی ایران در این خصوص با چالش‌هایی مواجه است. در این مقاله سعی شده است ابتدا چنین چالش‌هایی مورد تبیین قرار گیرد، سپس راهکارهایی برای رفع آن ارائه گردد.

واژگان کلیدی: کیفردهی قضایی، شدت جرم، تناسب جرم و مجازات، رهنمودهای کیفردهی

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. Amin.elahian@iau.ac.ir

۲. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول). Al1350@iau.ac.ir

۳. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. drabbasi191@iau.ac.ir

اصل تناسب از ملزومات اولیه‌ی انصاف و عدالت در کلیه‌ی امور از جمله تعیین کیفر است (لویی و دیگران، ۱۴۰۳، ۱۰۲). تعیین کیفر متناسب یا در تعبیر موسّع (گزینش یک واکنش کیفری دقیق) که از اصلی‌ترین مراحل یک دادرسی کیفری عادلانه و منصفانه است، در وهله‌ی اول مبتنی بر مجازاتی است که قانون‌گذار در قانون تعیین نموده است.

بی‌شک، بکاریا، نخستین نویسنده‌ای است که این اندیشه را پرورانده است که حقوق کیفری بر پایه‌ی قانون بنا می‌گردد. به نظر وی قانون سدی برابر خودکامگی است (مهرا، ۱۳۹۷، ۱۶۴؛ پرادل، ۱۳۹۱، ۴۵). با این حال سیر تحولات کیفری نشان می‌دهد: در کنار قانون، عامل دیگری نیز تحت عنوان صلاحیدها و اختیارات قضایی در تعیین کیفر مؤثر می‌باشد. اعمال این صلاحیدها و اختیارات قضایی بر اساس اصل تناسب میان شدت جرم و شدت مجازات، مستلزم ارزیابی «شدت جرم» و «شخصیت مجرم» توسط مقام قضایی است.

جهت ارزیابی میزان شدت جرم توسط مقام قضایی تحقق عدالت و انصاف اقتضا دارد که شاخص‌ها و معیارهایی به صورت نظام‌مند از سوی قانون‌گذار ارائه گردد و مقام قضایی به هنگامی ارزیابی میزان شدت مجازات ملزم به رعایت این معیارها و شاخص‌ها گردد. تفویض اختیارات گسترده به مقام قضایی در ارزیابی شدت جرم و تعیین مجازات بر اساس آن بدون تعیین معیارها و شاخص‌های ناظر بر این موضوع تالی فاسد از جمله تشنّت آرای قضایی را به دنبال خواهد داشت.

در نظام کیفری ایران قانون‌گذار در ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ذیل بندهای چهارگانه این ماده تلاش نموده به منظور رعایت اصل تناسب، شاخص‌هایی جهت ارائه طریق در ارزیابی قضایی میزان شدت جرم پیش‌روی قضات قرار دهد.

علاوه بر این که قانون‌گذار در ماده‌ی فوق‌الذکر به طور عام به تبیین برخی از شاخص‌های میزان شدت جرم پرداخته است. به طور خاص نیز در تعدادی از جرایم، برخی از عوامل مؤثر بر میزان شدت جرم را به صورت منصوص مورد تصریح قرار داده است؛ برای مثال قانون‌گذار در جرم کلاهبرداری سمت و عنوان مرتکب، در جرم آدم‌ربایی سن بزه‌دیده و در جرم سرقت، مسلحانه بودن آن و یا ارتکاب آن در شب را از عوامل مؤثر در میزان شدت جرم دانسته است.

قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران اگرچه در ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به تبیین برخی از شاخص‌ها و معیارهایی جهت ارزیابی قضایی میزان شدت جرم پرداخته است، اما همچنان ابهامات موجود هم از حیث قانونی و هم از حیث اجرایی بیش از آن چیزی است که بتوان ادعای نظام‌مند بودن اختیارات و صلاحیدهای قضات را در ارزیابی میزان شدت جرم مطرح کرد؛ بنابر این، تفویض اختیارات گسترده به قضات در این خصوص با پیش‌بینی مجازات‌های تعزیری با فاصله‌ی زیاد میان

حدّاًقل و حدّاًکثر (فتح‌پور و دیگران، ۱۳۸۶، ۳۸۳) با نسبت‌های عجیبی چون چهل برابر، بیست برابر،^۲ هجده برابر،^۳ دوازده برابر،^۴ دوازده برابر و ده برابر،^۵ بدون نظام‌مند بودن اختیارات و صلاحیدهای قضایی در ارزیابی میزان شدت جرم بر مبنای معیارها و شاخص‌های قانونی هیچ جایی برای ادعای انسجام و سامان یافتگی در کیفردهی باقی نمی‌گذارد (سبزواری نژاد، ۱۳۹۶، ۱۵۷). لذا ضرورت و اهمیت انجام این تحقیق از آن جهت است که در پی شناسایی چنین ایراداتی و ارائه‌ی راهکار برای آن است. پژوهش‌های انجام شده بیشتر ناظر بر کلیت اصل تناسب جرم و مجازات، بررسی معیارهای ارزیابی شدت مجازات‌ها و تبیین رهنمودهای کیفری، یک روش همسان‌سازی ارزیابی قضایی شدت جرم بوده است. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی برای پاسخ به این سؤالات سامان یافته است که در نظام کیفردهی قضایی ایران ارزیابی قضایی شدت جرم با چه چالش‌ها و ابهاماتی مواجه است و برای رفع این ابهامات و چالش‌ها چه راهکارهایی می‌توان ارائه کرد.

۱. چالش‌های ناظر بر ارزیابی قضایی میزان شدت جرم

بررسی نظام کیفردهی ایران نشان می‌دهد: این نظام از منظر تفویض اختیار به قضات در ارزیابی میزان شدت جرم و تعیین مجازات نهایی بر مبنای آن، با چالش‌هایی به شرح ذیل مواجه است. منشأ برخی از این چالش‌ها ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که در آن قانون‌گذار برخی از شاخص‌ها و معیارهای ارزیابی قضایی میزان شدت جرم مورد تصریح قرار داده است و در ظهور برخی دیگر از این چالش‌ها این ماده مدخلیتی ندارد.

۱-۱. چالش‌های ناظر بر ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

با وجود اینکه در ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برخی از شاخص‌ها و معیارهای ارزیابی قضایی میزان شدت جرم مورد تصریح قرار گرفته است، اما کاربری این ماده در این خصوص با ابهاماتی به شرح ذیل مواجه است:

۱-۱-۱. فقدان ضمانت اجرای در خصوص پایبندی قضات به کاربری شاخص‌های ارزیابی شدت جرم

به طور کلی، اگر قواعد وضع شده از سوی حاکمیت فاقد ضمانت اجرا و درجه‌ای از الزام برای نهادها و سایر شهروندان باشند، صدق عنوان قاعده‌ی حقوقی در خصوص آن‌ها مورد تردید است؛ به عبارت

۱. ماده‌ی ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵.

۲. ماده‌ی ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵.

۳. ماده‌ی ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵.

۴. ماده‌ی ۶۰۱ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵.

۵. مواد: ۵۰۱، ۵۰۸، ۵۱۸، ۵۲۵، ۵۵۸، ۵۹۹، ۶۳۹، ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵.

دیگر، اگر اجرا یا عدم اجرای یک قاعده‌ی وضع شده، از سوی حاکمیت تضمین نشود، دیگر نمی‌توان آن را در شمار قواعد حقوقی حساب کرد؛ چراکه به منظور تحقق اهداف ناشی از وضع قاعده‌ی حقوقی، بین شهروندان و حکومت توافقی نانوشته صورت پذیرفته است، تا به محض عدم رعایت حقوق متقابل توسط افراد، دولت و حکومت از باب اعمال حاکمیت وارد عمل گردد و این مفهوم ضمانت اجرا در عالم حقوق می‌باشد.

در نظام کیفری ایران اهمیت پایبندی قضات به کاربست شاخص‌های ارزیابی شدت جرم در تعیین نوع و میزان مجازات تا حدودی اگر چه نه به نحو مقتضی، در ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد توجه قرار گرفته است.

به موجب این ماده برخی از شاخص‌های ارزیابی میزان شدت جرم در چهار بند مورد تصریح قرار گرفته و دادگاه ملزم به رعایت آن‌ها در صدور حکم به مجازات تعزیری شده است؛ اما برای عدم رعایت آن از زمان تصویب این قانون تا سپری شدن دوره‌ی آزمایشی پنج ساله‌ی آن و حتی پس از آن، ضمانت اجرایی پیش بینی نشده بود و همین امر سبب می‌شد که بسیاری از قضات بدون احساس لزوم به رعایت این شاخص‌ها به سادگی از توجه به آن، سرباز زده و از مستندسازی آرای خود از این حیث اجتناب ورزند.

با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۲۳ در مجلس شورای اسلامی، گامی مهم در خصوص الزام قضات به پایبندی به مولفه‌های مذکور در ماده‌ی ۱۸ برداشته شد. به موجب ماده‌ی ۲ این قانون یک تبصره به ماده‌ی ۱۸ الحاق گردید که بر اساس آن دادگاه‌ها ملزم شدند در صورت صدور حکم به مجازات حبس به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی علت آن را در آرای خود قید نمایند و ضمانت اجرای عدم رعایت آن نیز مجازات انتظامی درجه‌ی ۴ تعیین شد. با این وجود نظام کیفردهی قضایی ایران در خصوص پایبندی قضات به کاربست شاخص‌های ارزیابی شدت جرم همچنان با چالش‌ها و ابهاماتی از حیث ضمانت اجرا مواجه است.

از یک سو از آنجایی که ضمانت اجرای مقرر در ماده‌ی ۱۸ صرفاً ناظر بر موردی است که دادگاه در حکم خود بدون بیان علتی مبتنی بر بندهای چهارگانه مندرج در این ماده و سایر جهات قانونی، مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی تعیین کنند، می‌توان گفت در سایر موارد عدم توجه‌ی قضات به شاخص‌های ارزیابی میزان شدت جرم در تعیین نوع و میزان مجازات، حتی خاصه شاخص‌هایی که در ماده‌ی ۱۸ مورد تصریح قرار گرفته و صراحتاً دادگاه ملزم به رعایت آن در صدور حکم تعزیری شده است، تخلف انتظامی قلمداد نمی‌شود.

بنابر این، اگر مقام قضایی بدون توجه به شاخص‌های ارزیابی میزان شدت جرم، حتی شاخص‌های مذکور در بندهای چهارگانه ماده‌ی ۱۸، مجازات‌های تعزیری غیر حبس مانند: شلاق، جزای نقدی را

نسبت به حداقل قانونی آن تشدید کند، با ضمانت اجرایی از این سنخ، یعنی: مجازات انتظامی مواجه نخواهد شد. همچنین است در مواردی که مقام قضایی بدون مدّ نظر قرارداد این شاخص‌ها، از بین مجازات‌های مختلفی که قانون به صورت تخییری برای یک جرم در نظر گرفته است، نوع شدیدتر آن را انتخاب می‌کند.

از سوی دیگر، این که آیا عدم توجّه دادگاه به شاخص‌های ارزیابی مقرر در بندهای چهارگانه ماده‌ی ۱۸ و حتّی اینکه عدم رعایت تبصره‌ی این ماده، یعنی: تعیین مجازات حبس بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی بدون بیان علّت آن، از جهات تجدید نظر خواهی می‌باشد یا خیر، مورد تردید است.

اینکه بتوان این موضوع را به استناد بند: ب ماده‌ی ۴۳۴ همان قانون، یعنی: ادعای مخالف بودن رأی با قانون، از جهات تجدید نظرخواهی دانست، با عنایت به عدم تصریح قانونی می‌تواند مورد تفسیر قضایی در پذیرش یا عدم پذیرش آن قرار گیرد؛ علی‌الخصوص اینکه ایجاد حق اعاده‌ی دادرسی به دلیل عدم رعایت تبصره‌ی ماده‌ی ۱۸، با وجود تصریح بند: چ ماده‌ی ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوّب ۱۳۹۲ به اینکه حکم به مجازات به بیش از مجازات مقرر قانونی از جهات اعاده‌ی دادرسی است، سابقاً مورد تردید بوده و منجر به صدور رأی وحدت رویه‌ی شماره: ۸۳۴ مورّخ: ۱۴۰۲/۵/۲۴ از سوی هیأت عمومی دیوان عالی کشور شده است.

در خصوص عدم توجّه دادگاه به آن دسته از شاخص‌های ارزیابی میزان شدت جرم که در بندهای چهارگانه‌ی ماده‌ی ۱۸ به آن اشاره نشده است نیز اساساً نمی‌توان آن را از جهات تجدید نظرخواهی دانست؛ چراکه با توجّه به عدم تصریح قانون به این شاخص‌ها، حتّی نمی‌توان ادعای مخالف بودن رأی با قانون را مطرح کرد.

با این وصف عدم توجّه به شاخص‌های ارزیابی میزان شدت جرم در تعیین نوع و میزان مجازات به جز در مورد تصریح شده در تبصره‌ی ماده‌ی ۱۸، نه یک تخلف انتظامی محسوب است و نه به طور قطع، از جهات تجدید نظرخواهی است.

بنابر این، می‌توان گفت: در وضعیّت فعلی نظام کیفردهی قضایی ایران، عدم پابندی قضات به شاخص‌های ارزیابی جرم علی‌رغم اهمیّت آن به جز در یک مورد (تبصره‌ی ماده‌ی ۱۸)، فاقد ضمانت اجرا می‌باشد؛ تبصره‌ی مذکور نیز خود با ایرادتی به شرح ذیل مواجه است:

الف) ضمانت اجرایی که برای عدم ذکر علّت صدور حکم به مجازات حبس به بیش از حداقل مجازات قانونی تعیین شده است، به موجب ماده‌ی ۱۳ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوّب: ۱۳۹۰/۷/۱۷ عبارت است از کسر حقوق ماهیانه تا یک سوّم از شش ماه تا یک سال.

به نظر می‌رسد: ضمانت اجرای مقرر در تبصره‌ی ماده‌ی ۱۸، با توجّه به مدّت محدود آن، توان اجرایی چندانی در الزام قضات به لحاظ شاخص‌ها مقرر در این ماده و سایر جهات قانونی در تعیین

میزان مجازات حبس به بیش از حدّ اقل مجازات مقرر قانونی نخواهد داشت؛ این، در حالی است که عدم رعایت این شاخص‌ها و سایر جهات قانونی تشدید مجازات حبس ممکن است تبعات منفی شدیدی را به همراه داشته باشد؛ از جمله در مواردی که در بازه‌ی حبسی که برای جرمی در نظر گرفته شده است، فاصله‌ی میان حدّ اقل و حدّ اکثر زیاد باشد؛ برای مثال: در جرم جاسوسی موضوع ماده‌ی ۵۰۱ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ که مجازات یک تا ده سال حبس برای آن در نظر گرفته شده است، اگر دادگاه بدون رعایت مفاد تبصره‌ی ماده ۱۸، به جای حکم به یک سال حبس، فرضاً، مرتکب را به پنج سال حبس محکوم کند، ضمانت اجرای تعیین شده در این تبصره، منطقی، متناسب با میزان با اعمال غیر قانونی چهار سال حبس مازاد بر حدّ اقل مجازات حبس مقرر قانونی نیست.

ب) در خصوص برخی از جرایم، قانونگذار، صرفاً، حدّ اکثر مجازات حبس را تعیین کرده است و حدّ اقلی برای آن در نظر نگرفته است؛ مانند: جرم تهدید علیه بهداشت، موضوع ماده‌ی ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵، که مجازات حبس تا یک سال برای آن در نظر گرفته شده است.

آیا اساساً، در چنین جرایمی دادگاه ملزم به رعایت تبصره‌ی ماده‌ی ۱۸ است و اگر دادگاه، ملزم به رعایت این تبصره است، حدّ اقل مجازات مقرر قانونی این جرایم را به چه میزان باید در نظر گرفت، تا در صورت عدول از آن، دادگاه ملزم به بیان علت آن در رای صادره باشد؟

ج) اینکه مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت که به موجب مادّتین: ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم تعزیری شده‌اند و ماهیتی حمایتی دارند، مشمول تبصره‌ی ماده‌ی ۱۸ است یا خیر، چالش دیگری است که این تبصره با آن مواجه است که البته، پاسخ به این پرسش، وابسته به این است که ماهیت چنین مجازاتی را حبس بدانیم یا خیر؟

د) به کار برده شدن عبارت کلی و مبهم «سایر جهات قانونی» در تبصره‌ی ماده‌ی ۱۸، یکی دیگر از عوامل ایجاد ابهام در این تبصره است.

سایر جهات قانونی تشدید مجازات حبس، گاهی، برای دادگاه به طور مطلق، جنبه‌ی الزامی دارد، به طوری که دادگاه در صورت وجود چنین جهاتی، علاوه بر اینکه ملزم به تشدید مجازات حبس است، در میزان تشدید آن نیز هیچ گونه اختیاری ندارد، مانند: جرایم موضوع مواد: ۵۶۲، ۵۸۰، ۶۲۱ و ۷۴۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ که در صورت احراز جهات تشدید، دادگاه الزام به تشدید مجازات حبس دارد و در میزان تشدید آن نیز جز صدور حکم به حدّ اکثر مجازات هیچ اختیاری ندارد.

گاهی نیز این جهات به طور نسبی جنبه‌ی الزامی دارند به طوری که دادگاه ملزم به تشدید مجازات است، اما در میزان تشدید مجازات حبس در یک بازه‌ی حدّ اقل و حدّ اکثر دارای اختیار است، مانند: ماده‌ی ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ که به موجب آن در صورتی که جرایم ناشی از تخلفات رانندگی موضوع مواد: ۷۱۴ تا ۷۱۷ تحت یکی از جهات تشدید مقرر در این ماده مانند: مست بودن یا نداشتن پروانه در هنگام ارتکاب جرم، تحقق یافته باشد، دادگاه، ملزم به تشدید مجازات حبس مقرر در مواد: ۷۱۴ تا ۷۱۷ است، اما در میزان این تشدید در بازه‌ی دو سوم حد اکثر مجازات تا حد اکثر مجازات دارای اختیار است، یا به موجب ماده‌ی ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، اتخاذ عنوان دولتی خلاف واقع، استفاده از تبلیغات عامه یا کارمند دولت بودن مرتکب از جهات تشدید مجازات جرم کلاهبرداری است که با تحقق این جهات، دادگاه ملزم به تشدید مجازات حبس است اما می‌تواند این تشدید را در یک بازه‌ی بین دو تا ده سال حبس اعمال کند.

علاوه بر این، گاهی اعمال سایر جهات تشدید جنبه‌ی اختیاری دارد؛ یعنی: اینکه دادگاه، اساساً، در اینکه مجازات حبس را تشدید کند یا نکند دارای اختیار است؛ نمونه‌ی آن بندهای الف و پ ماده‌ی ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳ است که به موجب آن در برخی از موارد تعدد ماده‌ی جرایم تعزیری، دادگاه، اساساً، در اعمال تشدید مجازات دارای اختیار است و اگر بخواهد از این اختیار استفاده کند، می‌تواند آن را در بازه‌ی حد اکثر مجازات قانونی تا یک چهارم آن اعمال کند.

حال با توجه به عبارت مبهم: «سایر جهات قانونی»، این ابهام به وجود می‌آید که اگر دادگاه، مجازات حبس را بیش از حد اقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، آیا به موجب این تبصره، دادگاه، در تمامی حالت‌های فوق، حتی حالتی که ملزم به تشدید مجازات حبس است و در میزان تشدید آن نیز هیچگونه اختیاری ندارد، ملزم به بیان علت صدور حکم در رأی خود می‌باشد، یا اینکه تبصره مذکور، صرفاً، ناظر به حالتی است که دادگاه در اعمال، یا در میزان تشدید مجازات حبس، دارای اختیار است؟

ه) ضمانت اجرای مقرر در این تبصره، ناظر بر صرف عدم بیان علت مبتنی بر بندهای چهارگانه‌ی ماده‌ی ۱۸ و سایر جهات قانونی در موارد تشدید مجازات حبس به بیش از حد اقل مقرر در قانون است، در حالی که می‌بایست این ضمانت اجرا برای غیر موجه بودن حکم به مجازات حبس به بیش از حد اقل مقرر در قانون، بر اساس عدم توجه به بندهای چهارگانه‌ی ماده‌ی ۱۸ و سایر جهات قانونی، در نظر گرفته می‌شد.

در وضعیت کنونی، نتیجه این است که اگر دادگاه در حکم خود، علت تشدید مجازات حبس را بیان کند، اما این علت موجب نباشد، مانند اینکه علت را انگیزه مرتکب بیان کند، ولی این انگیزه در دادرسی احراز نشده باشد، مشمول ضمانت اجرای مندرج در این بند نیست.

همچنین، این مورد، با فرض اینکه عدم رعایت تبصره‌ی ماده‌ی ۱۸ به موجب بند: ب ماده‌ی ۴۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از جهات تجدید نظرخواهی قلمداد شود، قابل تجدید نظرخواهی نیست؛ چون ملاک این تبصره، عدم بیان علت است، در حالی که در این فرض، علت بیان شده، اما غیر موجب است.

۱-۲. عدم جامعیت شاخص‌های قانونی ارزیابی شدت جرم

اگرچه قانونگذار با تدوین ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شاخص‌های کلی ناظر بر ارزیابی شدت جرم را از اصول راهبردی فرا روی قضات قرار داده است، لیکن در آن به برخی از شاخص‌ها که مهمترین آن وضعیت بزه دیده است و شاخص‌هایی مانند: خرده فرهنگ‌های گروه‌های فرهنگی خاص و میزان اثرگذاری جرم بر افکار عمومی اشاره نشده و مورد غفلت قانونگذار واقع شده است.

همان طور که در بخش تبیین معیارهای ارزیابی میزان شدت جرم بیان شد، میزان تقصیر بزه دیده در فرآیند تکوین جرم به عنوان یک معیار ذهنی و میزان تأثیرپذیری بزه دیده از وقوع جرم، یک معیار عینی، در ارزیابی قضایی میزان شدت جرم تأثیرگذار است؛ اما با وجود اینکه قانونگذار در بند: پ ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تقصیر بزه دیده در ارتکاب جرم را از حیث رفتار یا گفتار تحریک آمیز او، از اسباب تخفیف مجازات بزه‌کار به حساب آورده و نقش شتاب دهنده‌ی قربانی را چونان ابزاری جهت فردی سازی کیفر، به رسمیت شناخته است (جوان جعفری و شاهیده، ۱۳۹۲، ۱۳۲)، در ماده‌ی ۱۸ این قانون، مرجع تعیین شاخص‌های ارزیابی میزان شدت جرم، هیچ تصریحی به وضعیت بزه دیده نشده است. نه از حیث تقصیر او در تکوین جرم و نه از حیث میزان تأثیرپذیری او از جرم از لحاظ میزان آلام و خسارات روحی، جسمی و مادی.

در خصوص میزان تقصیر بزه دیده در فرآیند ارتکاب جرم، عدم درج نقش بزه دیده در تعیین کیفر از این حیث و قرار دادن آن در زمره‌ی جهات مخففه‌ی مجازات وفق ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات با توجه به مختار بودن دادگاه در اعمال تخفیف بر مبنای مصلحت اندیشی به موجب ماده‌ی ۳۷ این قانون، آن را تبدیل به یک امر اختیاری کرده است، در حالی که چنین امری باید به مانند سایر جهات مقرر در ماده‌ی ۱۸ جنبه‌ی الزام آور داشته باشد.

در خصوص میزان تأثیرپذیری بزه دیده از وقوع جرم نیز که اساساً، هیچ تصریح قانونی وجود ندارد و نتایج زیانبار که در بند: پ آن تصریح شده است، دلالتی بر این معیار ندارد؛ چرا که همان طور

که در بخش تبیین معیارهای ارزیابی شدت جرم اشاره شد، معیاری متمایز از میزان تأثیرپذیری بزه دیده از وقوع جرم است (غلامی و باقری، ۱۴۰۱، ۳۷۴).

۱-۳. کلی نگری و ابهام در تبیین شاخص‌های ارزیابی قضایی میزان شدت جرم

گرچه قانونگذار با تدوین بندهای چهارگانه در ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به تبیین برخی از شاخص‌های ارزیابی قضایی میزان شدت جرم از قبیل: انگیزه‌ی مرتکب، شیوه‌ی ارتکاب جرم، نتایج زیانبار حاصل از ارتکاب جرم، اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم و سوابق و وضعیت فردی خانوادگی و اجتماعی مرتکب پرداخته است؛ لیکن کلی بودن و عدم ارائه‌ی تعریفی صریح از شاخص‌ها و عدم توجه به جزئیات در تدوین این شاخص‌ها سبب گردیده که کنش‌گران عدالت کیفری در مرحله‌ی گزینش کیفر بر مبنای این شاخص‌ها با چالش‌هایی دست و پنجه نرم کنند و عملاً، راه برای اقسام تفسیرها باز گذارده شود.

از یک منظر آنچه که به ابهامات ماده‌ی فوق‌الذکر در تبیین شاخص‌های ارزیابی میزان شدت مجازات دامن زده است، این است که قانونگذار، صرفاً، به تبیین کلی این شاخص‌ها اکتفا نموده است، بدون اینکه به طور صریح مشخص کند، این شاخص‌ها برآیند کدامیک از مؤلفه‌های جزئی‌تر است؟ برای مثال، وقتی قانونگذار شاخص: شیوه‌ی ارتکاب جرم را یکی از شاخص‌های ارزیابی میزان شدت جرم مورد تصریح قرار می‌دهد، به طور دقیق بیان نمی‌کند: در هنگام مد نظر قرار دادن این شاخص جهت ارزیابی میزان شدت جرم، باید چه مؤلفه‌هایی مورد توجه قرار داد.

همان‌طور که سابقاً در مبحث مربوط به شیوه‌ی ارتکاب جرم بیان شد، مؤلفه‌هایی چون: ارتکاب جرم به شیوه‌ی خشونت‌آمیز، میزان استمرار رفتار مجرمانه یا نتایج حاصل از رفتار مجرمانه، ارتکاب جرم به صورت گروهی و سازمان یافته، استفاده از ابزار یا نوع ابزار به کار رفته در ارتکاب جرم، زمان و مکان ارتکاب جرم و سبق تصمیم از مؤلفه‌های ناظر بر شاخص شیوه‌ی ارتکاب جرم هستند که بر میزان شدت جرم تأثیرگذار است، لیکن قانونگذار به بیان آن‌ها ذیل تصریح به این شاخص نپرداخته است.

از منظر دیگر، برخی از شاخص‌های احصاء شده در ماده‌ی فوق‌الذکر کاربست دو سویه در تعیین مجازات دارند؛ برای مثال، شاخص: اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم که در بند: پ ماده‌ی ۱۸ مورد تصریح قرار گرفته است، هم می‌تواند از این حیث که سبب افزایش یا کاهش میزان خشونت جرم ارتكابی یا میزان زیان ناشی از رفتار مجرمانه یا اثرگذاری جرم بر افکار عمومی می‌شود، در میزان شدت جرم تأثیرگذار باشد و هم می‌تواند از این جهت که مبین اصلاح و پشیمانی مرتکب است، در اعمال نهادهای تفرید مجازات مؤثر باشد.

کارکرد اول در تعیین میزان مجازات در بازه‌ی حداقل و حداکثری است که قانونگذار تعیین کرده است، نمود پیدا می‌کند و کارکرد دوم در اعمال نهادهایی چون: تخفیف مجازات، تعلیق اجرای حکم،

تعویق صدور حکم، آزادی مشروط، جلوه گر می‌شود؛ برای مثال، مرتکب، ممکن است پس از مجروح کردن بزه دیده با چاقو، جهت کاهش میزان صدمه و زیان ناشی از رفتار خود او را به یک مرکز درمانی انتقال دهد یا بر عکس، به منظور افزایش میزان صدمه و زیان ناشی از رفتار خود او را در یک مکان دور افتاده و خالی از سکنه رها کند.

در چنین فروضی، اقدامات مرتکب، پس از ارتکاب جرم در میزان شدت جرم و تعیین میزان مجازات در بازه‌ی حداقل و حداکثری که قانونگذار وضع کرده است، تأثیرگذار است؛ اما اگر اقدامات مرتکب، پس از ارتکاب جرم در این مثال، اقداماتی چون: همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکاء یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصل از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب جرم باشد و یا اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی حین تحقیق و رسیدگی باشد، چنین اقداماتی بدون تأثیرگذاری بر میزان شدت جرم در اعمال نهادهای تفرید مجازات اثرگذار است.

در خصوص شاخص مندرج در بند: ت ماده‌ی ۱۸، یعنی: سوابق، وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب نیز وضع به همین منوال است و این شاخص نیز در تعیین مجازات مرتکب کارکرد دو سویه دارد، به طوری که گاهی وضعیت بزهکار، همان گونه که در مبحث مربوط به خود توضیح داده شد، از منظر فردی و اجتماعی به گونه است که در میزان شدت جرم تأثیرگذار است؛ مانند: برتری جسمانی نسبت به بزه دیده یا سوء استفاده از موقعیت و قدرت اجتماعی.

گاهی نیز با توجه به اینکه این شاخص بستر تأثیرپذیری بزهکار از مجازات است، در به کارگیری نهادهای تفرید مجازات نسبت به بزهکار اثرگذار است؛ مانند: حسن سابقه، کهولت سن و بیماری.

کارکرد دو سویه این شاخص‌ها و عدم تصریح قانونی به اینکه کدامیک از کارکردهای این شاخص‌ها مد نظر قانونگذار است، سبب می‌شود: مقام قضایی در به کارگیری چنین شاخص‌ها با ابهام مواجه شود و نهایتاً، بر مبنای تفسیر قضایی خود عمل کند، به طوری که ممکن است در اعمال این شاخص‌ها، برخی از قضات، صرفاً، قائل به یکی از این دو کارکرد و برخی دیگر، قائل به هر دو کارکرد باشند.

حال اگر مقام قضایی، این شاخص را مبتنی بر یکی از کاردهای آن تفسیر کند، اگرچه از کارکرد دیگر آن، مغفول مانده است، نمی‌توان گفت: خلاف مقررۀ ماده ۱۸ عمل کرده است و اگر آن را بر مبنای هر دو کارکرد آن‌ها تفسیر کند، آن گونه که در عنوان بعدی به آن پرداخته می‌شود، باز هم به طور صریح مشخص نیست که کدام کارکرد ناظر بر تعیین مقدار مجازات از میان بازه‌ی تعیین شده‌ی قانونی است و کدام کارکرد ناظر بر اعمال نهادهای تفرید مجازات است.

۱-۱-۴. عدم توجه قانونگذار به تمایز بین شاخص‌های ارزیابی شدت جرم و شاخص‌های تفرید مجازات

ماهیت معیارهای ارزیابی میزان شدت جرم متمایز از معیارهای تفرید مجازات است؛ چراکه معیارهای ارزیابی شدت جرم، منبعث از رویکرد سزاگرایانه، ناظر بر جرم ارتكابی است، در حالی که قانون توجه در معیارهای تفرید مجازات بر مبنای رویکرد فایده‌گرایانه، شخصیت مجرم است. کاربست این معیارها نیز متفاوت از یکدیگر است. در مرحله‌ی کیفردهی قضایی کاربست معیارهای ارزیابی شدت جرم در تعیین مقدار مجازات در بازه‌ی حداقل و حداکثر مقرر در قانون است، اما کاربست معیارهای تفرید مجازات در نحوه‌ی اجرای مجازات از حیث اعمال نهادهایی چون: تخفیف مجازات، تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم، نظام آزادی مشروط و نیمه آزادی، تبدیل مجازات است؛ با این وصف، چنین تفکیکی به درستی مورد عنایت قانونگذار کیفری ایران قرار نگرفته است.

ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به گونه‌ای تقریر یافته است که برخی از شاخص‌های مقرر در بندهای چهارگانه آن، مانند: انگیزه، شیوه‌ی ارتكاب جرم و نتایج زیانبار جرم، ناظر بر ارزیابی میزان شدت جرم است و برخی دیگر، مانند: تأثیر تعزیر بر مرتکب ناظر بر تفرید مجازات است.

برخی دیگر از این شاخص‌ها نیز مانند: اقدامات مرتکب پس از ارتكاب جرم و سوابق، وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب، همان گونه که در عنوان قبلی به آن پرداخته شد، می‌توانند به گونه‌ای تفسیر شوند که هم ناظر بر میزان شدت جرم و هم ناظر بر تفرید مجازات باشد.

قاعدتاً، با عنایت به ماهیت و کارکرد متمایز این دو دسته از معیارها، در مقدار مجازات باید شاخص‌های ارزیابی میزان شدت جرم و در اعمال نهادهای تفرید مجازات باید شاخص‌های تفرید مجازات لحاظ گردد؛ اما قانونگذار بدون توجه به چنین تفکیکی، در فراز دوم صدر ماده‌ی ۱۸، هم به مقدار مجازات و هم به اجرای مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر که شامل احکام ناظر بر برخی دیگر از نهادهای تفرید مجازات، مانند: مجازات‌های جایگزین حبس، نظام آزادی مشروط و نظام نیمه آزادی می‌شود، اشاره کرده و دادگاه را ملزم به رعایت بندهای چهارگانه‌ی این ماده ساخته است، در حالی که صریحاً مشخص نکرده است که کدامیک از این شاخص‌ها ناظر بر تعیین مقدار مجازات و کدامیک از این شاخص‌ها ناظر بر اعمال نهادهای تفرید مجازات هستند.

این عدم تفکیک در ماده‌ی ۳۸ این قانون نیز ملموس است. نهاد تخفیف مجازات یکی از نهادهای تفرید مجازات است و شاخص‌های تفرید مجازات، صرفاً باید در اعمال آن تأثیرگذار باشد، اما در این ماده که در مقام بیان شاخص‌های اعمال نهاد تخفیف مجازات، یعنی: شاخص‌های تفرید مجازات است، به برخی از شاخص‌های ارزیابی شدت جرم از قبیل: رفتار و گفتار تحریک آمیز بزه دیده، انگیزه‌ی شرافتمندانه در ارتکاب جرم، خفیف بودن زیان وارده به بزه دیده و نتایج زیانبار جرم، تصریح شده است.

۲-۱. فقدان رویه عملی واحد در نحوه‌ی اعمال شاخص‌های ارزیابی قضایی شدت جرم

اساساً، چون قانونگذار در مرحله‌ی قانونگذاری، به دلیل طولانی بودن فرآیند تصویب قانون و جلوگیری از تورم قوانین، صرفاً به بیان کلیات و اصول ناظر بر هر موضوع می‌پردازد و نمی‌تواند در هر موضوعی تمام جزئیات آن را بیان کند.

واگذارن جزئیات به طور مطلق در مرحله‌ی اجرای قوانین به مقام قضایی در قالب اختیارات قضایی سبب وابستگی شدید نظام حقوقی به صلاحیتهای قضایی می‌شود که مهمترین مفسده‌ی آن، تشدید آرای قضایی است.

موارد آشکار سوء استفاده از اختیارات قضایی که منجر به صدور احکام ناموجه و غیر منصفانه شده است، به خوبی دلالت بر این دارد که کاربرد ناصحیح این اختیارات، کاملاً محتمل است؛ به همین جهت، می‌بایست با استفاده از راهکارهای عملی، صلاحیتهای مقام قضایی را در مقام اجرای قوانین بر مبنای یک الگوی مشترک تحت ضابطه و قاعده درآورد و قضات را ملزم کرد که اختیارات خود را تحت همین ضوابط و قواعد اعمال کنند تا مانع از تصمیم گیری‌های سلیقه‌ای آن‌ها گردد.

چنین ضرورتی در کیفردهی قضایی نیز که یکی از الزامات آن، ارزیابی قضایی میزان شدت جرم و تعیین مجازات بر مبنای آن است، احساس می‌شود.

بیان کلیات و اصول ناظر بر کیفردهی قضایی در قانون بدون ضابطه‌مند کردن اختیارات مقام قضایی در نحوه‌ی اعمال و به کارگیری این اصول، مانع از دست یابی نظام کیفردهی به اهداف مطلوب خود می‌شود؛ لذا می‌بایست راهکارهایی پیش بینی گردد که اختیارات مقام قضایی در این خصوص، در قالب یک الگوی راهنما ضابطه‌مند گردد.

یکی از راهبردهای سامان دهی اختیارات قضایی در حوزه کیفردهی که مورد استفاده‌ی برخی از نظام‌های حقوقی پیش گام قرار گرفته است، پیش بینی مراجع فنی و تخصصی به منظور تدوین الگوهای راهبردی منطبق بر اولویتهای موجود در قوانین جزایی در قالب رهنمودهای کیفردهی است (غلامی و باقری، ۱۴۰۱، ۳۶۷).

رهنمودهای کیفردهی مجموعه معیارهایی هستند که از طرف مراجع فنی و تخصصی در قالب الگوهای از پیش تعیین شده به منظور ایجاد رویه‌های کیفردهی عقلانی و سازگار و ساختارمند کردن صلاحیدهای قضایی در حوزه کیفردهی تدوین شده‌اند (محمودی جانکی و طاهری، ۱۳۹۹، ۲۳۱). پیش‌بینی چنین مراجعی به قانونگذار اجازه می‌دهد به تبیین اصول کلی ناظر بر کیفردهی بدون دغدغه‌ی ناشی از اختیارات گسترده‌ی قضات در این خصوص بپردازد و بررسی جزئیات آن را به چنین گروه‌های تخصصی واگذارد.

برای نمونه در انگلستان و ولز، یکی از کشورهای موفق در زمینه‌ی تدوین الگوهای تعیین کیفر رهنمود محور، فرآیند گزینش مجازات بسیار با ارزش و در اولویت نظام عدالت کیفری قرار دارد؛ به همین علت، در جریان صدور رهنمودها سعی بر آن است که از تمام تجارب و مشاوره‌های نهادهایی چون: شورای صدور رهنمودهای تعیین مجازات^۱ و همچنین: هیأت مشورتی تعیین کیفر،^۲ استفاده گردد. به علاوه، از نظرات صاحب نظران و علمای علم حقوق و متخصصان نیز مبنای اصلی صدور دستور العمل‌ها استفاده گردد، تا بهترین و کامل‌ترین طریق تعیین کیفر متناسب از میان طیفی از کیفرها برای دادرس میسر گردد (غلامی و باقری، ۱۴۰۱، ۳۶۸).

در ایالات متحده‌ی امریکا نیز مینه سوتا، اولین ایالتی بود که دستور العمل‌های الزام‌آور برای تعیین مجازات تعیین کرد (Frase, 2005, 131). قوه‌ی قانونگذاری این ایالت، از سال ۱۹۸۰ تبعیت محاکم این ایالت از رهنمودهای تعیین مجازات را الزامی ساخت که قبلاً، کمیونی به همین نام در سال ۱۹۷۹ تدوین کرده است (Morley, 2014, 2).

الگوی ایالت مینه سوتا را می‌توان مصداق بارز رهنمودهای ایالتی تعیین مجازات در امریکا دانست. بسیاری از ایالت‌های این کشور، به تدریج نظام مینه سوتایی را در این زمینه اتخاذ کردند و اکنون این الگو در بسیاری دیگر از ایالت‌ها اجرا می‌شود. این الگو میزان شدت یک جرم را با توجه به عنوان مجرمانه‌ی آن و سابقه‌ی مرتکب تعیین می‌کند؛ بدین ترتیب، این رهنمودها، صرفاً تعیین‌کننده‌ی میزان شدت یک عنوان مجرمانه در مقایسه با سایر عناوین مجرمانه است.

در کنار رهنمودهای ایالتی، رهنمودهای فدرال نیز متعاقب تصویب قانون اصلاح کیفردهی^۳ در سال ۱۹۸۴ توسط کنگره‌ی امریکا پا به عرصه‌ی ظهور نهادند. کنگره‌ی ایالات متحده در آغاز دهه‌ی ۱۹۸۰، اصلاحات نظام کیفری را مورد توجه قرار داد.

1. Sentencing Guidelines Council.
2. Sentencing Advisory Panel; (SAP).
3. Sentencing Reform Act 1984.

از جمله محورهای اصلی این اصلاحات، بهبود روش کیفردهی در محاکم بود. برای بررسی دقیق‌تر، کنگره، کارگروهی، تحت عنوان: کارگروه تعیین مجازات،^۱ مسئول بررسی اصلاحات لازم در زمینه کیفردهی کرد.

در دسامبر ۱۹۸۳ این کارگروه، گزارش خود را منتشر کرد. بر مبنای یافته‌های این کارگروه، مهمترین پیشنهاد گزارش منتشر شده، ارائه رهنمودهایی برای انسجام در آرای دادگاه‌های حوزه‌ی مختلف بود. در نهایت، با جمع‌بندی گزارش‌های این کارگروه، کنگره اقدام به تصویب قانون اصلاح کیفردهی کرد و بدین ترتیب دوران جدیدی در نظام کیفردهی فدرال ایالات متحده آغاز شد. به منظور ایجاد شفافیت، انسجام و عدالت در فرآیند تعیین مجازات، کنگره با تصویب قانون مذکور اقدام به ایجاد کمیسیون کیفردهی ایالات متحده کرد و به آن مسئولیت داد تا رهنمودهای تعیین مجازات فدرال را مشخص کند و این رهنمودها از سال ۱۹۸۷ به اجرا در آمدند.

در مقایسه با رهنمودهای ایالتی، رهنمودهای فدرال توجهی بیشتری به اوصاف خاص جرم ارتكابی دارد و به همین دلیل بسیار پیچیده‌تر و مفصل‌تر هستند؛ به عبارت دیگر، در رهنمودهای ایالتی عناوین مجرمانه‌ی متعدّد از نظر شدّت با یکدیگر مقایسه می‌شوند، اما در رهنمودهای فدرال تعیین می‌شود که یک عنوان مجرمانه‌ی خاص بر اساس اوصاف ارتكاب آن با چه میزان از شدّت ارتكاب یافته است (صبوری پور، ۱۳۹۷، ۱۳۳-۱۴۰).

در نظام حقوقی ایران، در خصوص ارزیابی قضایی میزان شدّت جرم، یکی از الزامات فرآیند کیفردهی قضایی علی‌رغم نوآوری قانونگذار در تدوین ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به منظور تبیین برخی از اصول حاکم بر ارزیابی قضایی میزان شدّت جرم، متأسفانه تاکنون هیچ مرجع تخصصی و فنی پیش‌بینی نشده تا با تدوین الگوهای راهبردی از پیش تعیین شده در قالب رهنمودهای کیفری، یک رویه‌ی واحد در نحوه‌ی اعمال و به کارگیری شاخص‌های مندرج در این ماده ایجاد کند و اختیارات قضات را در این خصوص ضابطه‌مند سازد.

بنابر این، یکی از چالش‌های ناظر بر ارزیابی قضایی میزان شدّت جرم در نظام کیفری ایران، این است که با وجود بیان برخی از شاخص‌های کلی ناظر بر آن، یک رویه‌ی عملی واحد جهت اعمال و به کارگیری این شاخص‌ها در خصوص هر یک از عناوین مجرمانه وجود ندارد و اختیارات مقام قضایی در اینکه هر یک از این شاخص‌ها را چگونه و تا چه میزان در شدّت جرم و به تبع آن، تعیین میزان مجازات، تأثیر گذار بداند، به دلیل عدم پیش‌بینی یک رویه‌ی عملی واحد از سوی مراجع تخصصی و فنی همچنان بی حدّ و حصر و فاقد ضابطه است.

1. Task Force on Sentencing.

2. United States Sentencing Commission.

۳-۱. عدم امکان ایجاد تناسب عددی میان شدت جرم و میزان مجازات

یکی دیگر از چالش‌های ناظر بر ارزیابی قضایی میزان شدت جرم عدم امکان ایجاد تناسب عددی میان آن و میزان مجازات است. این چالش، از دو منظر قابل تبیین است، یکی، اینکه میزان شدت جرم قابلیت وزن دهی عددی را ندارد، در حالی که میزان مجازات که یک شاخص عددی است.

دیگر اینکه برای میزان شدت یک عنوان مجرمانه، نمی‌توان یک نقطه‌ی آغاز و پایان تصور کرد تا نقطه‌ی آغاز آن را منطبق بر حداقل مجازات قانونی تعیین شده و نقطه‌ی پایان آن را منطبق بر حداکثر مجازات قانونی تعیین شده، قرار داد و بر مبنای آن، بین این دو متغیر تناسب عددی ایجاد کرد.

از منظر اول، در رابطه با تأثیرگذاری میزان شدت جرم بر میزان شدت مجازات، میزان شدت جرم یک متغیر مستقل و میزان مجازات یک متغیر وابسته است.

در گام اول، می‌توان ادعا کرد: بین برخی از اوصاف جرم ارتكابی از حیث تأثیر گذاری و میزان مجازات رابطه‌ی هم افزایی وجود دارد؛ برای مثال، می‌توان گفت: استفاده از برخی از ابزارها، مانند: سلاح، در برخی از جرایم، مثل: آدم ربایی، چون، میزان شدت جرم را افزایش می‌دهد، سبب افزایش میزان مجازات نیز خواهد بود و مقام قضایی باید در چنین موردی از حداقل مجازات قانونی تعیین شده عدول کند.

اما در گام دوم، نمی‌توان بر مبنای یک تناسب دقیق عددی و فرموله شده، تعیین کرد که این اوصاف در مقیاس عددی، به طور دقیق، به چه مقدار، میزان مجازات را افزایش می‌دهد؛ چراکه اساساً، میزان مجازات، یک متغیر عددی است، اما میزان شدت مجازات یک شاخص کیفی است که قابلیت وزن دهی عددی را ندارد؛ در همان مثال ذکر شده، این سؤال مطرح است که مقام قضایی، در صورت استفاده از سلاح، در جرم آدم ربایی، در مقیاس عددی، دقیقاً، به چه میزان باید از حداقل مجازات قانونی تعیین شده، فاصله گرفته و به حداکثر مجازات قانونی تعیین شده، نزدیک شود؟

از منظر دوم، میزان مجازات قانونی یک عنوان مجرمانه خاص در یک بازه‌ی حداقل و حداکثر تعیین می‌شود، اما برای میزان شدت همان عنوان مجرمانه نمی‌توان یک نقطه‌ی آغاز و یک نقطه‌ی پایان تعیین کرد.

برای مثال، قانونگذار در ماده‌ی ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ برای جرم کلاهبرداری ساده یک تا هفت سال حبس تعیین کرده است؛ حال این سؤال مطرح است که اگر ضرر مالی تحمیل شده به بزه دیده را یکی از شاخص‌های تأثیرگذار بر میزان شدت جرم مد نظر قرار دهیم، حداقل و حداکثر این ضرر مالی به چه میزان قابل تصور است، تا این دو نقطه را به ترتیب، منطبق بر یک سال و هفت سال حبس قرار دهیم؟

آیا اساساً می‌توان خفیف‌ترین و شدیدترین حالت جرم کلاهبرداری ساده را توصیف کرد و آن دو را مبنا قرار داد، به طوری که هرچه جرم کلاهبرداری ارتکاب یافته از ضعیف‌ترین حالت توصیف‌شده‌ی آن فاصله گرفته و به شدیدترین حالت توصیف شده‌ی آن، نزدیک شود، به همان میزان نیز مجازات تعیین شده باید از حداقل قانونی فاصله بگیرد و به حداکثر قانونی نزدیک شود؟

۴-۱. تورم کیفری و مداخلات غیر ضروری سیستم قضایی در تعارضات اجتماعی

از آنجایی که روابط تابعان حقوق در پرتو حاکمیت اصل آزادی، اصل صحت و اصل اباحه قرار دارد، ایجاد محدودیت در این روابط بنابر اقتضائات زندگی اجتماعی جز در مواردی که عنصر ضرورت، چنین اقتضایی دارد و آن هم جز به حکم قانون ممکن نیست؛ به بیان دیگر اصل بر آزادی و اباحه در رفتارهای تابعان حقوق است و استثناء در آن، یعنی: ایجاد محدودیت منوط بر وجود دلیل مبتنی بر ضرورت است که از این اصل توجیه کند؛ بنابر این، ضمانت اجرای حقوقی برای اینکه موجه باشد، باید به صورت محدود و مضیق و برای موضوعات محدود و استثنائی طراحی شوند (دولت شاهی نژاد و دیگران، ۱۳۹۷، ۲۳، ۲۸).

در فضای حقوق کیفری که اصولاً محدودیت‌ها در فرآیند جرم انگاری تعیین و مشخص می‌شوند. اگر چنین محدودیت‌هایی بدون توجه به عنصر ضرورت اعمال گردند، نظام عدالت کیفری با پدیده‌ای تحت عنوان: تورم کیفری، مواجه می‌شود که به موجب آن عناوین مجرمانه در سیاهه‌ی قوانین کیفری افزایش می‌یابد. تورم کیفری در حوزه‌ها و جنبه‌های مختلف آثار منفی بسیاری بر نظام عدالت کیفری تحمیل می‌کند. فارغ از سایر آثار منفی، آن اثر منفی که به موضوع مورد بحث ما، یعنی: ارزیابی قضایی میزان شدت جرم مرتبط می‌باشد، این است که عدم توجه قانونگذار به ضرورت‌های اجتماعی در تعیین عنوان مجرمانه متعدد و به تعبیری ایجاد تورم کیفری در نظام حقوقی سبب افزایش حجم پرونده‌های کیفری در دستگاه قضایی خواهد شد، در حالی که دادگاه‌ها امکانات کافی و از همه مهمتر فرصت و وقت کافی برای رسیدگی ندارد. در چنین شرایطی نمی‌توان از یک دادگاه کیفری که بایستی در یک ساعت یک پرونده را مورد رسیدگی قرار دهد توقع داشت تا میزان شدت جرم را در هر پرونده به درستی و مفهوم واقعی آن ارزیابی کند.

۲. راهکارهای مواجهه با چالش‌های ناظر بر ارزیابی قضایی میزان شدت جرم

به منظور مرتفع شدن چالش‌های ناظر بر ارزیابی قضایی میزان شدت جرم در نظام کیفردهی قضایی ایران پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

۱-۲. اصلاح و تکمیل قوانین ناظر بر ارزیابی میزان شدت جرم

از آنجایی که تنها مقرره‌ی قانونی ناظر بر ارزیابی قضایی میزان شدت جرم، ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است و این مقرره با ایرادات و نواقصی مواجه است که در عناوین قبل به آن پرداخته شد. شایسته است: قانونگذار با مد نظر قرار دادن موارد ذیل در صدد رفع این ایرادات و نواقص برآید:

الف) تفکیک بین شاخص‌های ناظر بر ارزیابی قضایی میزان شدت جرم که مبتنی بر جرم ارتكابی و مؤثر در تعیین میزان مجازات از میان بازه‌ی حدّ اقل و حدّ اکثری مجازات قانونی می‌باشد و شاخص‌های ناظر بر اعمال نهادهای تفرید مجازات که مبتنی بر شخصیت بزه‌کار و مؤثر در اعمال نهادهای تفرید مجازات می‌باشد و تبیین هر یک از این شاخص در یک ماده‌ی قانونی جداگانه.

ب) بیان جامع و مانع شاخص‌های ناظر بر ارزیابی قضایی میزان شدت جرم، از جمله تصریح به شاخص‌هایی چون: وضعیت بزه‌دیده، خرده فرهنگ‌های خاص گروه‌های فرهنگی خاص و میزان اثرگذاری جرم بر افکار عمومی که در حال حاضر در وضع ماده‌ی ۱۸ قانونگذار از آن مغفول است.

ج) تبیین صریح مؤلفه‌های تأثیرگذار بر هریک از شاخص‌های ارزیابی قضایی میزان شدت جرم.

د) تفکیک بین کارکردهای شاخص‌هایی که در تعیین مجازات کارکرد دو سویه دارند و احصای هر کارکرد حسب مورد، ذیل شاخص‌های ناظر بر ارزیابی قضایی میزان شدت جرم یا شاخص‌های ناظر بر اعمال نهادهای تفرید مجازات.

ه) الزام دادگاه‌ها به بیان علت تعیین مجازات، به میزان بیش از حدّ اقلّ قانونی، مبتنی بر جهات قانونی، در تمام اقسام مجازات‌های تعزیری (نه منحصرأ مجازات حبس تعزیری) و تعیین ضمانت اجراء از جنس مجازات انتظامی برای تخطی از این امر، با لحاظ اینکه در مواردی که مورد حکم، مجازات حبس تعزیری است، به جهت اهمیت آن، مجازات انتظامی، شدیدتر از مواردی تعیین گردد که مورد حکم، سایر مجازات‌های تعزیری است؛ به طوری که این الزام هم ناظر بر بیان آن دسته از جهات قانونی باشد که دادگاه الزام به تشدید مجازات باشد و هم ناظر بر بیان آن دسته از جهات قانونی باشد که دادگاه در تشدید مجازات دارای اختیار است.

و) رفع ابهام از اینکه در جرایمی که قانونگذار صرفاً حدّ اکثر مجازات حبس تعزیری را تعیین نموده و هیچ گونه حدّ اقلی برای آن در نظر نگرفته است، ملاک قانونی حدّ اقل مجازات این گونه جرایم چگونه تعیین شود، تا بر اساس آن بتوان گفت: دادگاه در صورت عدول از این حدّ اقل مجازات قانونی، ملزم به بیان علت آن است.

با توجه به ملاک بند ۲ ماده‌ی ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، مصوب ۱۳۷۳ و تبصره‌ی الحاقی به ماده‌ی ۳۷ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ و مواد: ۶۵

و ۶۶ این قانون، چون قانونگذار، صدور حکم به کمتر از ۹۱ روز حبس را برای مجازات اصلی، جایز ندانسته است، لذا ۹۱ روز حبس باید ملاک قانونی حداقل مجازات این گونه جرایم در نظر گرفته شود. (ز) با توجه به اینکه در بند ۵ پیشنهاد گردید: برای عدول دادگاه از حداقل مجازات قانونی بدون بیان علت قانونی آن، در مواردی که مورد حکم حبس تعزیری است، مجازات انتظامی شدیدتری تعیین گردد، نسبت مواردی که مورد حکم سایر مجازات‌های تعزیری است، به طور صریح مشخص گردد که مجازات نگهداری اطفال و نوجوانان در کانون اصلاح و تربیت ماهیتاً حبس تلقی می‌گردد، یا اینکه ماهیت مستقلی دارد، تا روشن شود: تعیین این مجازات به میزان بیش از حداقل قانونی بدون بیان علت، مشمول مجازات انتظامی ناظر بر حبس تعزیری است، یا مجازات انتظامی ناظر بر سایر مجازات‌های تعزیری است.

(ح) تصریح به اینکه صدور حکم به مجازات به بیش از حداقل مجازات قانونی بدون ذکر جهات قانونی آن، یا منطبق نبودن این جهات با قانون، از جهات تجدید نظرخواهی است.

با توجه به موارد فوق الذکر، پیشنهاد می‌گردد: در ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، صرفاً به بیان تعریف مجازات تعزیری بسنده شود و دو ماده، یکی جهت بیان نحوه‌ی تعیین میزان مجازات در بازه‌ی حداقل و حداکثری قانونی و دیگری جهت بیان نحوه‌ی اعمال نهادهای تفرید مجازات، به ذیل این ماده الحاق گردد.

۲-۲. تدوین کاربرگ‌های ارزیابی قضایی میزان شدت جرم جهت درج در پرونده‌ی قضایی

به منظور حصول اطمینان در خصوص اینکه دادگاه در تعیین میزان مجازات تعزیری حتی‌الامکان تمامی شاخص‌های ناظر بر ارزیابی میزان شدت جرم را مد نظر قرار داده و بر مبنای آن میزان مجازات را تعیین کرده است، پیشنهاد می‌شود: کاربرگ‌هایی در قالب ذیل از سوی نهادهای ذی‌ربط تدوین گردد و قوه قضائیه با صدور بخشنامه‌هایی دادگاه را ملزم به تکمیل و درج آن در پرونده‌های قضایی کند. این امر از یک سو، سبب می‌شود: دادگاه در تعیین میزان مجازات، یک چشم انداز کلی نسبت به بزه‌ی تحت رسیدگی داشته باشد و از سوی دیگر، موجب می‌شود: ارزیابی میزان شدت جرم از یک حالت انتزاعی در ذهن مقام قضایی نمود عینی و بیرونی پیدا کند، تا بر مبنای آن بتوان درستی یا نادرستی این ارزیابی را مورد قضاوت قرار داد.

کاربرگ پیشنهادی ارزیابی قضایی میزان شدت جرم	
۱- آیا جرم تحت رسیدگی با اعمال خشونت ارتکاب یافته است؟	بلی ☐ خیر ☐
در صورت مثبت بودن پاسخ، خشونت به چه نحو اعمال شده است؟	
۲- آیا رفتار مجرمانه با نتایج حاصل از آن استمرار داشته است؟	بلی ☐ خیر ☐
در صورت مثبت بودن پاسخ، رفتار مجرمانه یا نتایج حاصل از آن تا چه مدت استمرار داشته است؟	
۳- آیا جرم به صورت گروهی یا سازمان یافته تحقق پیدا کرده است؟	بلی ☐ خیر ☐
در صورت مثبت بودن پاسخ، نحوه ی گروهی یا سازمانی بودن ارتکاب جرم توصیف گردد:	
۴- آیا در ارتکاب جرم از آلات و ادوات خاصی استفاده شده که سبب تشدید آن گردد؟	بلی ☐ خیر ☐
در صورت مثبت بودن پاسخ، نوع آلات و ادوات به کار رفته و نحوه ی استفاده از آن توصیف گردد:	
۵- آیا زمان و مکان ارتکاب جرم در میزان شدت جرم ارتكابی تأثیر گذار بوده است؟	بلی ☐ خیر ☐
در صورت مثبت بودن پاسخ، علت تأثیرگذاری زمان و مکان ارتکاب جرم در میزان شدت جرم ارتكابی تبیین شود:	
۶- جرم تحت رسیدگی از نظر سبق تصمیم مرتکب به چه صورت ارتکاب یافته است؟	با سبق تصمیم ☐ بدون سبق تصمیم ☐
سبق تصمیم یا آنی بودن ارتکاب جرم مورد تشریح قرار گیرد:	
۷- آیا ارتکاب جرم به صورت واقع گرایانه و به دو از عوام گرایي بر افکار عمومی تأثیر گذار بوده است؟	بلی ☐ خیر ☐
در صورت مثبت بودن پاسخ، جرم ارتكابی به چه نحو و به چه میزان بر افکار عمومی تأثیر گذاشته است؟	
۸- آیا خرده فرهنگ های گروه های فرهنگی خاص را در میزان شدت جرم تأثیر گذار بوده است؟	بلی ☐ خیر ☐
در صورت مثبت بودن پاسخ، نحوه ی تأثیرگذاری خرده فرهنگ های گروه های فرهنگی خاص بر میزان شدت جرم تبیین شود.	
۹- آسیب های مستقیم که در اثر وقوع جرم به بزه دیده وارد شده است (شامل خسارت مالی، جانی، روانی، حیثیتی، کاهش کیفیت زندگی، ترس از بزه دیدگی مجدد و...) تشریح گردد.	
۱۰- در اثر وقوع جرم چه هزینه هایی که برای کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، رسیدگی قضایی، اجرای حکم و اصلاح و درمان و بازپروری مجرم به دستگاه تحمیل شده و خواهد شد؟	
۱۰- انگیزه ی اصلی مرتکب از وقوع جرم چه بوده است؟	
۱۱- آیا بزه دیده در فرآیند تکوین جرم نقش داشته است؟	بلی ☐ خیر ☐
در صورت مثبت بودن پاسخ، نقش بزه دیده در فرآیند تکوین جرم تبیین گردد.	
۱۲- کدام یک از عوامل ذیل موجب تأثیر پذیری بیشتر بزه دیده از وقوع جرم گردیده است؟	
الف- سن بزه دیده ☐	ب- جنسیت بزه دیده ☐
ج- وضعیت مالی بزه دیده ☐	د- موقعیت و سمت اجتماعی بزه دیده ☐
در صورتی که هر یک از عوامل فوق موجب تأثیر پذیری بیشتر بزه دیده از وقوع جرم گردیده است، چگونگی آن تبیین گردد.	
۱۳- آیا وضعیت فردی و اجتماعی بزهکار در وقوع جرم تأثیر گذار بوده است؟	بلی ☐ خیر ☐
در صورت مثبت بودن پاسخ نحوه تأثیرگذاری وضعیت فردی و اجتماعی بزهکار در وقوع جرم، تبیین گردد.	
۱۴- بزه ارتكابی چند بزه دیده مستقیم داشته است؟	
۱۵- آیا بزه ارتكابی مشمول سایر جهات قانونی تشدید مجازات می باشد؟	بلی ☐ خیر ☐
در صورت مثبت بودن پاسخ جهات قانونی ذکر گردد.	

جدول شماره یک، کاربرگ پیشنهادی ارزیابی قضایی میزان شدت جرم

۲-۳. تدوین الگوهای راهبردی کیفردهی قضایی جرم محور توسط مراجع تخصصی

یکی از راهبردهایی که جهت ساماندهی صلاحیتهای قضایی در تعیین کیفر مورد استفاده‌ی نظام‌های حقوقی مختلف قرار گرفته است، به کارگیری رهنمودهای کیفردهی است. رهنمودهای کیفردهی در میانه‌ی طیفی قرار می‌گیرد که یک سوی آن، نظام مجازات ثابت است که هیچ اختیاری برای قاضی در تعیین کیفر باقی نمی‌گذارد و سوی دیگر آن، نظام صلاحیتد قضایی مطلق است که قاضی کیفری را به فعال مایشاء در عرصه‌ی کیفردهی تبدیل می‌کند.

نظام مبتنی بر رهنمودهای کیفردهی در پی حذف اختیارات قضایی در تعیین کیفر نیست، بلکه در پی آن است که قاضی را در تطبیق مجازات قانونی با جرم ارتكابی یاری رساند و او را از تأثیرپذیری نا بجا از عوامل فرا قانونی حفظ کند. نتیجه‌ی این فرآیند، آن است که خروجی‌های دستگاه عدالت کیفری قربت زیادی با یکدیگر دارند و مرتکبان جرایم یکسان، به مجازات‌های کم و بیش یکسانی محکوم می‌شوند (صبوری پور، ۱۳۹۷، ۱۴۰).

جهت ساماندهی اختیارات قضایی در ارزیابی میزان شدت جرم و تعیین مجازات بر مبنای آن و ایجاد یک رویه‌ی واحد عقلانی و ساختارمند در نظام حقوق کیفری ایران، این ضرورت احساس می‌شود که با بهره‌گیری از تجارب نظام‌های حقوقی پیش رو در این خصوص، کمیسیون مرگب از نخبگان حقوق کیفری، جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی پیش بینی گردد، تا عهده دار این امر گردد که برای هر عنوان مجرمانه‌ی خاص، با در نظر گرفتن فروض مختلف آن جرم و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر میزان شدت آن جرم رهنمودهای کیفردهی جرم محور تدوین کند.

در ادامه جهت تدوین الگوهای راهبردی کیفردهی قضایی جرم محور در نظام حقوق کیفری ایران، با بررسی راهبردهای به کار گرفته شده در این خصوص در سایر نظام‌های حقوق کیفری، پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می‌گردد، اما قبل از ارائه‌ی آن، ذکر برخی از نکات ضروری به نظر می‌رسد.

اولین نکته اینک چون در موضوع بحث، هدف ایجاد یک رویه‌ی واحد در ارزیابی قضایی میزان شدت جرم است، ارائه پیشنهاد مبتنی بر رهنمودهای جرم محور است و رهنمودهای مجرم محور در این مرحله از فرآیند تعیین کیفر مد نظر نیست.

نکته‌ی دوم اینک جهت اثر بخشی و کارایی نظام تعیین کیفر وجود شاخص‌های متعددی در تدوین رهنمودهای تعیین کیفر ضروری است که اهم آن عبارت است از:

الف) مرجع صادر کننده مشروعیت قانونی داشته باشد و از اقتدار کافی جهت الزام قضات صادرکننده حکم برخوردار باشد.

ب) این اصول راهبردی باید در نتیجه‌ی مشاوره و دقت نظر صادر کننده ایجاد شده باشند؛ به تعبیر دیگر، تا جای ممکن، باید به صورت اجماعی و با اکثریت آراء تنظیم شده باشند.

ج) به منظور به روز رسانی و جلوگیری از هرگونه خطا و اشتباه، رهنمودها به صورت دوره‌ای قابل بازنگری باشد و جهت انجام فرآیند تجدید نظر و اصلاح رهنمودها، نهادی مناسب در نظام تعیین کیفر تعیین شود (مهر، ۱۳۸۹، ۳۳۹).

نکته‌ی سوم اینکه از آنجایی که هر نظام حقوق کیفری ویژگی‌ها و اقتضائات خاص خود را دارد و راهبرد رهنمودهای کیفردهی جرم محور در هر نظام منطبق با همین ویژگی‌ها و اقتضائات خاص مورد استفاده قرار گرفته است، نمی‌توان عیناً، چنین راهبردی را در نظام حقوق کیفری ایران به کار بست و ضرورت دارد، چنین راهبردی در نظام حقوق کیفری ایران با در نظر گرفتن به ویژگی‌ها و اقتضائات خاص این نظام، مورد استفاده قرار گیرد؛ لذا در پیشنهادهای ارائه شده است، سعی شده است: استفاده از رهنمودهای کیفری جرم محور در ارزیابی قضایی میزان شدت جرم منطبق با نظام حقوق کیفری ایران همسان سازی گردد.

نکته حائز اهمیت دیگر اینکه اگر در مقام عمل نتوان به دلیل برخی از ملاحظات از جمله افزایش یافتن حجم کار قضات در شرایطی که سیستم قضایی با افزایش تعداد پرونده‌ها از یک سو و کمبود قضات، از سو دیگر مواجه است، پیشنهادهای ارائه شده را در خصوص تمامی عناوین مجرمانه اعمال کرد؛ اما می‌توان راهکارهای پیشنهادی را حداقل در خصوص برخی از عناوین مجرمانه شدید و جرایمی اعمال کرد که فاصله‌ی بین حداقل و حداکثر مجازات زیاد است.

نکته‌ی دیگری که باید مد نظر قرار گیرد، این است که چون هر عنوان مجرمانه ویژگی‌های مختص به خود را دارد و یک عامل مفروض، مانند: زمان و مکان ارتکاب جرم یا میزان خسارت مالی بزه دیده، ممکن است، در ارزیابی میزان شدت یک عنوان مجرمانه موضوعیت داشته باشد و در ارزیابی میزان شدت عنوان مجرمانه‌ی دیگر، اساساً، موضوعیت نداشته باشد، نمی‌توان یک راهکار کلی در قالب رهنمودهای جرم محور ارائه داد که قابل اعمال برای تمامی عناوین مجرمانه باشد؛ لذا ضرورت دارد: هر عنوان مجرمانه به طور خاص، مورد بررسی قرار گرفته و رهنمودهای مختص به آن، تدوین گردد.

و نکته‌ی آخر اینکه در قوانین جزایی ایران به طور خاص در برخی از عناوین مجرمانه عوامل فزاینده‌ی میزان شدت جرم، مانند: آسیب پذیری بزه‌دیده (مواد: ۶۱۹ و ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)، استفاده از سلاح در ارتکاب جرم (مواد: ۶۱۴، ۶۱۷، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۴، قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)، سمت مرتکب (ماده‌ی ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، مواد: ۵۳۲ و ۵۳۴ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) و مکان و زمان ارتکاب جرم (مواد: ۶۵۸، ۶۵۶، ۶۵۳، ۶۵۲، ۵۸۰، ۶۵۹، ۵۰۹ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) تصریح شده و میزان افزایش مجازات بر مبنای این عوامل، به طور دقیق، در قوانین مربوطه تعیین شده است؛ لذا ضرورت دارد: در تدوین رهنمودهای جرم محور، چنین عواملی، دقیقاً، منطبق با مقررهای قانونی مربوطه مد نظر قرار گیرد.

با مد نظر قرار دادن نکات فوق، الگوهایی به شرح ذیل جهت کاربست رهنمودهای کیفردهی جرم محور در نظام حقوق کیفری ایران پیشنهاد می‌گردد:

الگوی اول:

در این الگو، ابتداء، حداقل مجازات قانونی جرم مورد نظر، سطح مبنا در نظر گرفته می‌شود، پس از آن، عوامل مؤثر بر میزان شدت آن جرم به دو گروه فزاینده و کاهنده تقسیم می‌شود و تعیین می‌شود: هر یک از این عوامل، به طور دقیق، به چه میزان موجب افزایش یا کاهش میزان جرم می‌شود. در نهایت، نیز برآیند این افزایش و کاهش بر سطح مبنا، اعمال می‌گردد، به طوری که خروجی آن، اگر آن در بازه‌ی حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم باشد، خروجی به دست آمده، مجازات قضایی جرم ارتكابی تعیین می‌شود و اگر کمتر از حداقل مجازات قانونی آن جرم باشد، حداقل مجازات قانونی آن جرم، مجازات قضایی جرم ارتكابی در نظر گرفته می‌شود و اگر بیشتر از حداکثر مجازات قانونی آن جرم باشد، حداکثر مجازات قانونی آن جرم، مجازات قضایی جرم ارتكابی است.

برای نمونه، در خصوص جرم آدم ربایی، موضوع ماده‌ی ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات و مجازات های بازدارنده، مصوب ۱۳۷۵، با توجه به فاصله‌ی زیاد میان حداقل و حداکثر مجازات قانونی و تعدد عوامل تأثیرگذار در میزان شدت این جرم، می‌توان این الگو را مبتنی بر جدول ذیل ارائه داد:

همراه با عتف و تهدید: ۵ سال (۶۰ ماه) حبس	سطح مبنای جرم
بدون عتف و تهدید: ۲ سال (۲۴ ماه) حبس	
در صورتی که بزه دیده بیش از ۲۴ ساعت آماج این جرم باشد، هر ۲۴ ساعت موجب افزایش میزان مجازات حبس به میزان یک ماه خواهد شد.	عوامل فزاینده میزان شدت جرم
در صورت ارتکاب جرم به صورت گروهی و سازمان یافته باشد موجب افزایش میزان مجازات حبس به میزان سه ماه خواهد شد.	
در صورتی که در ارتکاب جرم از سلاح استفاده شده باشد با توجه به نوع سلاح به کار رفته موجب افزایش میزان مجازات حبس به میزان نه تا دوازده ماه خواهد شد.	
در صورتی که جرم در شب ارتکاب یافته باشد موجب افزایش میزان مجازات حبس به میزان سه ماه خواهد شد.	
در صورتی که بزه دیده در مکانی خالی از سکنه نگه داشته شود موجب افزایش میزان مجازات حبس به میزان سه ماه خواهد شد.	
در صورتی که بزه با برنامه ریزی قبلی و سبق تصمیم ارتکاب یافته باشد با توجه به نوع برنامه ریزی قبلی و سبق تصمیم موجب افزایش میزان مجازات حبس به میزان دو تا چهار ماه خواهد شد.	
در صورتی که بزه ارتکابی به طور واقع گرایانه بازتاب گسترده در افکار عمومی داشته باشد با توجه به میزان این بازتاب موجب افزایش میزان مجازات حبس به میزان سه تا شش ماه خواهد شد.	
در صورتی که بزه دیده زن باشد موجب افزایش میزان مجازات حبس به میزان شش ماه خواهد شد.	
در صورتی که مرتکب از موقعیت شغلی یا اجتماعی خود سوء استفاده کرده باشد یا متقلبانه خود را دارای یک موقعیت شغلی یا اجتماعی قلمداد نموده باشد موجب افزایش میزان مجازات حبس به میزان شش ماه خواهد شد.	عوامل کاهنده میزان شدت جرم
در صورتی که انگیزه مرتکب یک انگیزه منفی باشد با توجه نوع انگیزه موجب افزایش میزان مجازات حبس به میزان شش تا دوازده ماه خواهد شد.	
در صورتی که انگیزه ی مرتکب یک انگیزه ی مثبت باشد با توجه نوع انگیزه موجب کاهش میزان مجازات حبس به میزان شش تا دوازده ماه خواهد شد.	عوامل کاهنده یا فزاینده مصرح در قانون
در صورتی که بزه دیده در فرآیند تکوین جرم نقش مثبت داشته باشد با توجه به این نقش موجب کاهش میزان مجازات حبس به میزان شش تا دوازده ماه خواهد شد.	
در صورتی که مرتکب به صورت ارادی مانع از آسیب ها ، صدمات و نتایج منفی ناشی از جرم گردد یا از ادامه ی رفتار مجرمانه منصرف شود موجب کاهش میزان مجازات حبس به میزان شش ماه خواهد شد.	
در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد.	

جدول شماره دو: جدول ارزیابی قضایی میزان شدت جرم آدم ربایی، موضوع ماده ی ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات و مجازات های بازدارنده، مصوب ۱۳۷۵

حال، برای مثال، در فرضی که جرم ارتكابی همراه با علف و تهدید باشد، مرتكب از سلاح استفاده کرده باشد، بزه دیده، زن باشد، جرم در شب اتفاق افتاده باشد و بزه دیده در تكوین جرم نقش مثبت داشته باشد، به دلیل سه عامل فزاینده، به ترتیب ۱۰ ماه، با در نظر گرفتن نوع سلاح به کار رفته، ۶ و ۳ ماه و در مجموع، ۱۹ ماه باید میزان مجازات افزایش یابد و به دلیل عامل کاهنده باید ۶ ماه، با در نظر گرفتن میزان نقش بزه دیده، از میزان مجازات کاهش یابد که با توجه به اینکه برآیند اعمال این دو دسته از عوامل، ۱۳ ماه است، نهایتاً، با اعمال این برآیند بر سطح مبنای جرم، ۶۰ ماه، میزان مجازات نهایی، ۷۳ ماه می‌شود.

الگوی دوم:

در این الگو، ابتداء، با طی جدولی، عوامل مؤثر بر شدت جرم مورد نظر، به دو گروه فزاینده و کاهنده تقسیم می‌شود و برای هریک از عوامل فزاینده، یک شاخص عددی مثبت و برای هر یک از عوامل کاهنده، یک شاخص عددی منفی در نظر گرفته می‌شود. پس از آن، در جدولی دیگر، بازه‌ی مجازات قانونی به طیف‌های جزئی‌تر تقسیم می‌گردد و تعیین می‌شود که خروجی حاصل از جدول اول در کدامیک از طیف‌های تعیین شده، قرار می‌گیرد. در نهایت، مجازات نهایی جرم ارتكابی، از میان آن طیف، انتخاب می‌گردد.

برای نمونه، در خصوص جرم آدم ربایی، این الگو را می‌توان مبتنی بر جدول ذیل ارائه داد:

عوامل موثر بر میزان شدت جرم	شاخص عددی
عوامل فزاینده میزان شدت جرم	در صورتی که بزه دیده بیش از ۲۴ ساعت آماج این جرم باشد.
	به ازای هر ۲۴ ساعت +۱۰
	در صورت ارتکاب جرم به صورت گروهی و سازمان یافته باشد.
	+۳۰
	در صورتی که در ارتکاب جرم از سلاح استفاده شده باشد (با توجه به نوع سلاح به کار رفته).
	+۹۰ تا +۱۲۰
	در صورتی که جرم در شب ارتکاب یافته باشد.
	+۳۰
عوامل کاهنده میزان شدت جرم	در صورتی که بزه دیده در مکانی خالی از سکنه نگه داشته شود.
	+۳۰
	در صورتی که بزه با برنامه ریزی قبلی و سبق تصمیم ارتکاب یافته باشد (با توجه به نوع برنامه ریزی قبلی و سبق تصمیم).
	+۲۰ تا +۴۰
	در صورتی که بزه ارتكابی به طور واقع گرایانه بازتاب گسترده در افکار عمومی داشته باشد (با توجه به میزان این بازتاب).
	+۳۰ تا +۶۰
	در صورتی که بزه دیده زن باشد.
	+۶۰
عوامل کاهنده میزان شدت جرم	در صورتی که مرتکب از موقعیت شغلی یا اجتماعی خود سوء استفاده کرده باشد یا متقلبانه خود را دارای یک موقعیت شغلی یا اجتماعی قلمداد نموده باشد.
	+۶۰
	در صورتی که انگیزه مرتکب یک انگیزه منفی باشد (با توجه نوع انگیزه).
	+۶۰ تا +۱۲۰
	در صورتی که انگیزه ی مرتکب یک انگیزه ی مثبت باشد (با توجه نوع انگیزه).
عوامل کاهنده میزان شدت جرم	-۶۰ تا -۱۲۰
	در صورتی که بزه دیده در فرآیند تکوین جرم نقش مثبت داشته باشد (با توجه به این نقش).
	-۶۰ تا -۱۲۰
عوامل کاهنده میزان شدت جرم	در صورتی که مرتکب به صورت ارادی مانع از آسیب ها ، صدمات و نتایج منفی ناشی از جرم گردد یا از ادامه ی رفتار مجرمانه منصرف شود.
	-۶۰

جدول سوم: جدول ارزیابی قضایی میزان شدت جرم آدم ربایی، موضوع ماده‌ی ۶۲۱ قانون مجازات

اسلامی، بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مصوب ۱۳۷۵

جدول شاخص‌های عددی الگوی دوم^۱

۱. شاخص‌های عددی فرضی است.

طیف‌های مجازات	شاخص عددی
۵-۶ سال حبس	تا ۱۵۰
۶-۷ سال حبس	۱۵۱-۲۵۱
۷-۸ سال حبس	۲۵۱-۳۵۰
۸-۱۰ سال حبس	بیشتر از ۳۵۰
۱۰ سال حبس	در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود.

جدول چهارم: جدول ارزیابی قضایی میزان شدت جرم آدم ربایی، موضوع ماده‌ی ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مصوب ۱۳۷۵

جدول طیف‌های مجازات، فرض مقرون به عنف یا تهدید الگوی دوم

طیف‌های جرم	شاخص عددی
۲ سال تا ۲ سال و ۶ ماه حبس	تا ۱۵۰
۲ سال و ۶ ماه تا ۳ سال حبس	۱۵۱-۲۵۱
۳-۴ سال حبس	۲۵۱-۳۵۰
۴-۵ سال حبس	بیشتر از ۳۵۰
۱۰ سال حبس	در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود.

جدول پنجم: جدول ارزیابی قضایی میزان شدت جرم آدم ربایی، موضوع ماده‌ی ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مصوب ۱۳۷۵

جدول طیف‌های مجازات، فرض بدون عنف یا تهدید الگوی دوم

حال، برای مثال، در فرضی که جرم ارتكابی همراه با علف و تهدید باشد و مرتكب از سلاح استفاده کرده باشد، بزه دیده زن باشد، جرم در شب اتفاق افتاده باشد و بزه دیده در تكوین جرم نقش مثبت داشته باشد، مطابق با جدول ۶ برای سه عامل فزاینده به ترتیب، شاخص‌های عددی: ۱۰۰+ با در نظر گرفتن نوع سلاح به كار رفته، ۶۰+ و ۳۰+ و برای عامل كاهنده شاخص ۶۰- در نظر گرفته می‌شود. از آنجایی كه خروجی جدول فوق ۱۲۰+ می‌باشد، بر اساس جدول شماره: ۴، مجازات قضایی این جرم، از میان طیف ۵ تا ۶ سال حبس، تعیین می‌گردد.

نتیجه‌گیری

بررسی نظام کیفردهی قضایی ایران از بعد ارزیابی قضایی میزان شدت جرم نشان می‌دهد: با وجود اینکه قانونگذار با تصویب ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تبیین برخی از شاخص‌ها و معیارهای ارزیابی قضایی میزان شدت جرم، گامی در جهت رویه سازی اصولی ارزیابی قضایی شدت جرم برداشته است؛ اما همچنان ابهامات و چالش‌هایی از این حیث ملموس است؛ برخی از این چالش‌ها ناظر به ماده‌ی فوق‌الذکر هستند؛ از جمله اینکه عدم توجه‌ی قضات به شاخص‌های ارزیابی جرم كه در این ماده مورد تصریح قرار گرفته‌اند، به جز مورد مقرر در تبصره‌ی ذیل این ماده، نه تخلف انتظامی محسوب است و نه از جهات تجدید نظرخواهی است.

بر این اساس، می‌توان گفت: در وضعیت کنونی نظام کیفردهی قضایی ایران، پابندی قضات به شاخص‌های مقرر در بندهای چهارگانه‌ی ماده‌ی مذکور، به جز موردی كه بیان شد، فاقد ضمانت اجراء است؛ یا اینکه این ماده از حیث اینکه در آن، تبیین برخی از شاخص‌های ارزیابی قضایی میزان شدت جرم، از جمله: وضعیت بزه دیده، خرده فرهنگ‌های گروه‌های فرهنگی و میزان اثرگذاری جرم بر افكار عمومی، مورد غفلت واقع شده است، از جامعیت کافی برخوردار نیست.

عدم ارائه‌ی تعریفی صریح از شاخص‌های مقرر در بندهای چهارگانه این ماده نیز سبب شده كه تفسیرهای قضایی متفاوت از این شاخص‌ها، ارزیابی قضایی میزان شدت جرم را با تشكوت مواجه سازد. همچنین با وجود اینکه معیارهای ارزیابی میزان شدت جرم متمایز از معیارهای تفرید مجازات هستند، قانونگذار با عنایت به ماهیت و كارکرد متمایز این دو دسته از معیارها در تدوین ماده ۱۸ به چنین تمایزی عنایت نداشته است.

علاوه بر چالش‌های ناظر بر ماده ۱۸، نظام کیفردهی قضایی در ارزیابی میزان شدت جرم با چالش‌های دیگری مواجه است. اکتفاء به بیان کلیات و اصول ناظر بر ارزیابی قضایی میزان شدت جرم بدون ضابطه‌مند كردن آن در قالب یک الگوی راهنمای مشترك، به مانند برخی از نظام‌های کیفری از جمله‌ی این چالش‌ها است.

همچنین، عدم امکان ایجاد تناسب میان دو مولفه‌ی میزان شدت جرم و میزان مجازات، از این حیث که وزن دهی عددی میزان شدت جرم ممکن نیست، یا بسیار دشوار است؛ در حالی که میزان مجازات یک شاخص عددی است، از دیگر چالش‌های این نظام است.

علاوه بر این، تورم قوانین کیفری نیز که یکی از آثار آن، به افزایش حجم پرونده‌های کیفری در دستگاه قضایی، با وجود مکفی نبودن امکانات قضایی است، ارزیابی قضایی میزان شدت جرم را که نیازمند صرف زمان و دقت کافی است، با چالش مواجه کرده است.

کتابشناسی

۱. پرادل، ژان، (۱۳۹۱)، *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات سمت، چاپ ششم.
۲. جوان جعفری، عبدالرضا؛ شاهیده، فرهاد، (۱۳۹۲)، رفتار گفتار تحریک آمیز بزه دیده در قوانین و مقررات کیفری و رویه‌ی قضایی ایران، فصلنامه آموزه‌های حقوقی، دوره: ۱۰، شماره: ۵، ص ۱۲۷-۱۵۴.
۳. دولت شاهی نژاد، فرج اله؛ گل خندان، سمیرا؛ رجیبی، محمد حسین، (۱۳۹۷)، تبیین چالش‌های ناشی از تورم کیفری در نظام حقوقی ایران، در پرتو حق بر دادرسی عادلانه، فصلنامه حقوق پزشکی، دوره: ۱۲، شماره: ۴۴، ص ۲۱-۳۴.
۴. سبزواری نژاد، حجت، (۱۳۹۶)، جایگاه اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق کیفری ایران و انگلستان، فصلنامه دیدگاه حقوق قضایی، دوره: ۲۲، شماره: ۷۸-۷۷، ص ۱۳۳-۱۶۴.
۵. صبور پور، مهدی، (۱۳۹۷)، *نظام‌مند سازی کیفرگزینی تعزیری در حقوق ایران*، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره: ۴۸، شماره: ۱، ص ۱۲۳-۱۴۳.
۶. غلامی، حسین؛ باقری، نادیا، (۱۴۰۱)، *کاربست اصول راهبردی تعیین کیفر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و چالش‌های آن در آیینی رویه‌ی قضایی (نمونه پژوهشی شعب دادگاه‌های کیفری)*، مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره: ۲۱، شماره: ۵۲، ص ۳۴۹-۳۹۲.
۷. فتح پور، سعید؛ سلطان فر، غلامرضا؛ هوشیار، مهدی، (۱۳۸۹)، معیار تعیین شدت جرم در حقوق ایران، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی ایران، دوره: ۲، شماره: ۲، ص ۳۸۵-۳۶۵.
۸. لویمی، فاطمه؛ بنی نعیمه، عیسی؛ ابوعلی، امیر، (۱۴۰۳)، بررسی اصل تناسب مجازات و جایگزین‌های مؤثر بر مجازات‌های مقرر در جرایم مواد مخدر، فصلنامه علمی آموزه‌های فقه و حقوق، دوره: ۳، شماره: ۳، ص ۹۷-۱۲۲.
۹. محمودی جانکی، فیروز؛ طاهری، سمانه، (۱۳۹۹)، ضرورت پیاده سازی الگوی کیفردهی رهنمود محور در تعزیرات، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره: ۵۰، شماره: ۱، ص ۲۳۱-۲۵۶.
۱۰. مهر، نسرين، (۱۳۸۹)، رهنمودهای تعیین مجازات در انگلستان و ولز، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره: ۴۰، شماره: ۳، ص ۳۳۵-۳۵۳.
۱۱. مهر، نسرين، (۱۳۹۷)، راهکارهای یکسان سازی اعمال صلاحیده‌های قضایی در زمینه‌ی تعیین مجازات، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیستم، شماره: ۱، ص ۱۶۳-۱۸۷.

13. Morley, Andrew (2014), **Minnesota Sentencing Guidelines Commission: An analysis of sentence fairness and prison population**, Celebrating Scholarship & Creativity Day, P 5.